

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۹، صص ۴۲۴-۴۳۴

New Period, No 28, 2020, P 424-434

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تأثیر هنر، ایده و خلاقیت در طراحی های هنری

الهه صفی نژاد

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین تهران، ایران

چکیده

یکی از خصوصیات هر سرزمین و ملت نوع هنر و آداب و رسوم آنهاست. این هنر و آداب با توجه به مقتضیات زمان و حوادثی که بر مردمان این سرزمین گذشته تغییر کرده است. تغییر در هنر یک ملت بر اساس یک سری اصول و قواعد انجام می شود که خلاقیت یکی از مهمترین آنهاست. هنرمند با توجه به خلاقیت و ابتکار عمل و تجربه ای که دارد دست به خلق اثر می زند. اثر هنری خلق شده از همه لحاظ غیرقابل تکرار حتی توسط خود آن هنرمند است. چون یک اثر در لحظه با توجه به شرایط روحی و حسی آن فرد به وجود می آید. هدف ما در این مقاله نشان دادن نقش خلاقیت و ایده پردازی در حفظ و احیای هنر و ارائه راهکارهایی برای پرورش خلاقیت کودکان در مدارس با یادگیری هنر و استفاده از روش های یادگیری هنر می باشد.

واژه های کلیدی: ایده پردازی، هنر، خلاقیت، دانش آموز محوری، یادگیری بر اساس علائق



۱- مقدمه:

ایران کشوری است با سابقه ۷۰۰۰ ساله و جزو اولین تمدن‌های جهان به حساب می‌آید. بقایای آثار مردمانی که زمانی در نقاط مختلف این سرزمین زندگی می‌کردند نشان می‌دهد که این افراد زندگی وحشیانه اعراب و اروپاییان ماقبل تاریخ را نداشته‌اند. بلکه مردمی بودند صاحب هنر و تمدن. وسایل ساخته شده از ایرانیان باستان حتی امروزه هم از عجایب صنایع دستی به شمار می‌رود. بسیاری از این هنرها ابتدا در ایران به وجود آمده و شکل گرفته‌اند و سپس به سایر نقاط جهان رفته‌اند. هنرهایی که هر کدام از فکر خلاق و روح لطیف آنها نشأت گرفته نشان می‌دهند که ایرانیان باستان انسان‌هایی خلاق و خوش ذوق بوده‌اند. همین بس که حتی با گذشت چند هزار سال از ساخت یک کوزه یا کنده کاری روی کوه یا یکی از قطعات ردیف موسیقی با دیدن و شنیدن آنها احساس لذت می‌کنیم و همچنین به گذشته خود افتخار. هنر ساخته ذهن خلاق هنرمند است. هنر مند با تفکر و تاملی که بر روی کار خود می‌کند می‌تواند یک اثر منحصر به فرد ایجاد کند. این اثر نماینده ذهن هنرمند است. یعنی خصوصیات این اثر اخلاق و رفتار هنرمند را باید نشان دهد. در غیر این صورت این اثر ماندگار نخواهد شد. همانطور که گفته‌اند: حرفی که از دل برآید، بر دل نشیند و در خاطره‌ها بماند.

امروزه در تمام جوامع بشری دیگر به منابع نفتی و معدنی و سایر منابع طبیعی خود افتخار نمی‌کنند، بلکه مهمترین چیز در حال حاضر برای برتری ملت‌ها میزان علم و دانش و ذهن مردم آن کشور است. مردمی که دارای یک ذهن ساکن، بدون هیچ انگیزه و بدون هیچ خلاقیتی هستند، هیچگاه نمی‌توانند کشورشان را به سوی پیشرفت حرکت دهند. هیچ موفقیتی بدون دلیل و زحمت نیست. تا مردمی برای رسیدن به اهدافشان زحمت نکنند، خلاقیت در ذهن آنها به وجود نمی‌آید. در این مقاله ما می‌خواهیم در مورد این موضوع صحبت کنیم که چگونه می‌توان با استفاده از هنر و خلاقیت در آن و دستاوردهای هنری در سال‌های قبل امروزه نیز از این خلاقیت نهفته استفاده کنیم تا ما نیز بتوانیم در رقابت با سایر کشورها، همانطور که در گذشته پیروز بوده ایم، امروز هم سردمدار انسان‌های خلاق باشیم.

۲- هنر:

هنر آفرینش انسان است. به توان، اثر و کاری که از تصور و آفرینش انسان شکل یافته است، هنر می‌گویند. امر هنری الزاما با زیبایی همراه نیست یا زیبایی شناسی یکتایی ندارد ولی همواره با خلاقیت انسان همراه است.

واژه هنر در زبان سانسکریت، ترکیبی از دو کلمه سو به معنی نیک و نریانه به معنای زن و مرد است. در زبان اوستایی سین به ها تبدیل شده و واژه هونر ایجاد گشته است که در زبان پهلوی یا فارسی میانه به شکل امروزی (هنر) در آمده است که به معنای انسان کامل و فرزانه است. در ادبیات ایران در دوره اسلامی این



معنا دوباره دگرگون شد، و هنر به معنای کمال، فضیلت، هوشیاری، فضل، تقوی، دانش و کیاست و... به کار رفت، که دارای بار معنایی عام بود.

۲-۱- مجموعه هنرهای زیبا به ۷ دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- موسیقی
- ۲- هنرهای دستی مانند مجسمه‌سازی، شیشه‌گری، و...
- ۳- هنرهای ترسیمی شامل نقاشی، خطاطی، و...
- ۴- ادبیات شامل شعر و داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و نثر
- ۵- معماری
- ۶- رقص و حرکات نمایشی
- ۷- هنرهای نمایشی شامل سینما، تئاتر، و...

وجوه مشترک آثار هنری عبارتند از:

تخیل به عنوان مهمترین عامل در شکل‌گیری اثر هنری است همه آثار هنری از عاطفه و احساس هنرمند سرچشمه می‌گیرند نه از تفکر منطقی و عقلانی او چندمعنایی بودن و منشور ماندنی، وجه اشتراک سوم تمام آثار هنری است. خلاقیت عنصر اصلی در آفرینش هنر است.

این جنبه از خصایص آثار هنری، در واقع از دو ویژگی قبلی که برشمردیم، نتیجه می‌شود. بدین معنی که هر پدیده‌ای که عنصر اصلی سازنده آن تخیل و عاطفه باشد، بی‌شک نمی‌تواند معنایی منجمد و تک بعدی داشته باشد.

از این روست که هر کس در برابر آثار هنری می‌ایستد، دریافت و استنباط خاصی دارد. به خاطر همین خصوصیت است که هنر مند هیچگاه نمی‌تواند یک اثر مشابه با دیگر آثار خود خلق کند. چون در هر لحظه تخیل و روحیه او متفاوت است و جمع شدن تمام شرایط برای خلق مجدد یک اثر امکان‌پذیر نیست. این مطلب تاثیر خلاقیت را در هنر هنرمند نشان می‌دهد. تفاوت در هر اثری نشان‌دهنده خلاقیت به کار رفته در آن اثر است.

چون ماهیت و پیکره اصلی هنر بر پایه خلاقیت است، در نتیجه هنر جو در ابتدای یادگیری رشته هنری نیاز دارد تا خلاقیتش هم پرورش یابد. این نیاز در طول سالیان درازی که در ایران هنر و آموزش آن وجود داشته باعث شده که یک روش آموزشی بسیار منظم و حساب شده برای هم آموزش هنر و هم پرورش خلاقیت هنر جو به وجود آید. در این روش استاد با دانایی و احاطه‌ای که بر روی موضوع دارد و با توجه به توانایی‌های شاگرد زمینه لازم برای خلاق کردن شاگرد را با تمریناتی مناسب به وجود می‌آورد. این



تمرینات برای هر هنرجویی متفاوت است، چون افراد با یکدیگر متفاوت هستند و همین تفاوت است که باعث ایجاد سبک‌های مختلف هنری و شیوه‌های مختلف ارائه آثار می‌شود.

۳- خلاقیت و نقش آن در هنر:

خلاقیت از دیدگاه سازمانی عبارت است از ارائه فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقای کیفیت یا کمیت سازمان و نوآوری. اگر ما سازمان را به اندازه یک کشور فرض کنیم، آنگاه خلاقیت افراد آن کشور راهکاری برای بهبود و ارتقاء کیفیت سطح پیشرفت کشور و به طبع آن سطح زندگی مردم است. مردمی که با تفکر خود می‌توانند جامعه خود را اصلاح، و سرعت پیشرفت را در آن بالا ببرند. افزایش خلاقیت در بین ملت می‌تواند به ارتقای کمیت و کیفیت خدمات، کاهش هزینه‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع، کاهش بوروکراسی، افزایش رقابت، افزایش کارآیی و بهره‌وری، ایجاد انگیزش و رضایت شغلی در بین همه افراد جامعه منجر گردد.

خلاقیت یعنی تلاش برای ایجاد یک تغییر هدف‌دار در توان اجتماعی یا اقتصادی و خلاقیت به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است؛ خلاقیت یعنی توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک انگاره یا اندیشه جدید. در بحث مدیریت نظیر به وجود آوردن یک محصول جدید است خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه با پیمودن یک راه طی شده قبلی به طرز نوین. تمام این تعاریف خصوصیات خلاقیت را بیان می‌کنند. ولی با دانستن همه این مطالب باز هم نمی‌توان یک جامعه خلاق داشت. هر کسی ممکن است این خصوصیات را داشته باشد، ولی خودش هنوز به اهمیت آن و یا نیاز به آن پی نبرده است. برای کشف این استعداد باید از مراحل ابتدایی آموزش کودکان شروع کرد. همچنین انجام کارهای هنری باعث برانگیخته شدن این استعداد می‌شود. اصل آفرینش هنر بر پایه‌ی خلاقیت فردی است. هنرمند با توجه به آموزش‌هایی که در ابتدا دیده است و بر اساس اطلاعات پایه خود، ذهن خود را برای به دست آوردن سوژه‌ای جدید و طرحی نو با توجه به خصوصیات که خودش می‌خواهد به کار می‌اندازد.

۴- چگونگی یادگیری هنر اصیل در رابطه استاد و شاگردی:

۴-۱- مرحله اول:

شاگرد مبتدی و هیچ‌گونه اطلاعات تخصصی از هنری که می‌خواهد شروع کند ندارد. در این مرحله شاگرد باید آموزش‌های ابتدایی و تقلید گونه بدون هیچ‌گونه خلاقیتی را بگذراند. با توجه به استعداد و توانایی شاگرد این مرحله ممکن است یک سال، یا دو سال یا حتی در بعضی موارد بیشتر هم طول بکشد. استاد در تمام لحظات کار با شاگرد مراقب او است و تمامی نکته‌ها را به او می‌گوید. خلاقیت



در این مرحله بسیار کم و در حد صفر می‌باشد، ولی استاد با توجه به صلاح‌دید خود می‌تواند تمرینات یا سولاتی ساده برای به فکر واداشتن شاگرد در مورد کار خود بدهد.

۲-۴- مرحله دوم:

شاگرد مرحله ابتدایی را گذرانده و تا حدودی با کلیات کار آشنا شده است. در این مرحله استاد اصول کار و هدف از آن هنر را برای او می‌گوید. تمرین‌ها باید برای رسیدن به آن هدف انجام شود، و خود شاگرد باید آن هدف را درک کرده باشد. مدت این مرحله در هنرهای مختلف، متفاوت است. چون عمق و معنای هنرها با هم یکی نیست. اما با توجه به توانایی‌های استاد و شاگرد می‌تواند تغییر کند. در خلال این آموزش‌ها و کلاس‌ها استاد کم‌کم او را با مسائل دیگر در حوزه آن هنر آشنا می‌کند. همینطور که شاگرد پیشرفت می‌کند درجه‌های زیادی از هنری که در حال یادگیری آن است به روی او باز می‌شود. او با فکر و تامل در آن مسائل روابط بین این اصول را یاد می‌گیرد. البته راهنمایی‌های استاد در این مرحله بسیار مفید است. خلاقیت در این مرحله سیر صعودی دارد و به همین ترتیب تقلید سیر نزولی این مرحله، مرحله‌ای مهم است که نقش استاد در آن بسیار تعیین‌کننده سرنوشت شاگرد است. اگر استاد همان روش تقلیدی را برای آموزش به این شاگرد انتخاب کند، این شاگرد هرگز نمی‌تواند هنرمند شود. بلکه فقط یک مقلد خواهد بود.

۴-۳- مرحله سوم:

آماده شدن برای حرفه‌ای شدن در رشته موردنظر در این مرحله شاگرد به درک و فهم لازم برای خلاقیت و ابتکار عمل در هنر خود رسیده و دیگر تقلید نمی‌کند. استاد راهنمایی‌های خیلی کم و اثر بخشی می‌کند. آموزش در این مرحله تمام می‌شود و نوبت به پژوهش می‌رسد. شاگرد باید در مورد کاستی‌ها و معایب هنر خود مطالعه کنند و راه‌حلی برای بهبود آن ایجاد کند. او در این مرحله دیگر شاگرد نیست و حتی می‌تواند مربی باشد.

۴-۴- مرحله چهارم:

حرفه‌ای شدن فرد

این مرحله مرحله آخر است که شاگرد قبلی به مقام استادی رسیده است. ممکن است رسیدن به این مرحله حتی تا بیست سال هم طول بکشد. فرد در این مرحله خود راه را به دیگران نشان می‌دهد و ایده‌های او قابل قبول برای همه است. خلاقیت به اوج خود رسیده است. آثار هنری این استاد شاخص و مختص خودش است و خصوصیات روحی و رفتاری او، در آن باید نمود یافته باشد.



جدول شماره ۱

میزان خلاقیت	خصوصیات
خیلی کم	اطلاعات از هنر کم ، رابطه استاد و شاگرد زیاد، تقلید زیاد
متوسط ، رو به افزایش	اطلاعات اولیه به دست آمده ، خط دهنی استاد برای ادامه مسیر
زیاد	اندام آموزش و مطالعه فرد برای راههای مختلف
خیلی زیاد	ارائه آثار هنری و آموزش شاگردان و داشتن روش مختص به خود

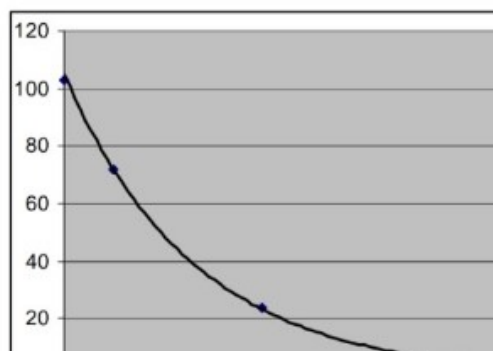
رزش هنر که در بالا توضیح داده شد اگر برای هر کدام از مراحل فوق درصدی از خلاقیت و

(مطابق جدول زیر) به نمودار زیر می رسمیم.

جدول شماره ۲

مراحل	خلاقیت	تقلید
1	5	100

نمودار شماره ۱



همانطور که در این نمودار می بینیم هر چه قدر در صد خلاقیت افزایش می یابد، درصد تقلید کاهش می یابد. از این مطلب نتیجه گرفته می شود که این دو با یکدیگر نسبت عکس دارند. پس هر موقع که خواستیم خلاقیت را بالا ببریم بایستی تقلید را کم کنیم. تقلید و کپی کاری بزرگترین مشکل جامعه ما است. این کار باعث شده است که فکر نکردن و استفاده از ایده و فکر دیگران رواج پیدا کند و در این



موقعیت بیشترین ضررکننده‌ها انسان‌های خلاق هستند. آنها برای کار بر روی ایده جدیدشان وقت و انرژی زیادی می‌گذارند. ولی استفاده لازم را از آن نمی‌کنند. برای حل این مشکل چند کار می‌توان انجام داد.

۱- ایجاد مراکزی برای ثبت ایده و نظر در آنها به نام خود که البته بیشتر برای اختراعات استفاده می‌شود.

۲- تصویب قانون‌هایی برای جلوگیری از کپی‌کاری

۳-۴- توسعه فرهنگ خلاقیت در بین همه مردم، تا همه بتوانند ایده بدهند. ترویج فرهنگ فکر کردن و از بین بردن تنبلی ذهنی: در اینجا ما مدلی را بر اساس مدل یادگیری هنر که در بالا گفته شد، برای استفاده در مدارس پیشنهاد می‌کنیم که بوسیله آن فرهنگ خلاقیت از کودکی در جامعه رواج یابد.

۵- مدل پیشنهادی برای آماده‌سازی ذهن کودکان برای خلاقیت بر اساس مدل یادگیری هنر:

مهمترین نکته‌ای را که ما باید در روش‌های برانگیختن خلاقیت در جامعه در نظر داشته باشیم توجه به این مطلب است که هر چه قدر سن انسان زیاد شود، سخت‌تر می‌توان او را به خلاقیت وادار کرد. انجام کارهایی که کودک به خاطر آن نیاز به فکر کردن داشته باشد باعث می‌شود تا این فرد در بزرگسالی هم بر روی راه‌حل هر مسئله فکر کند و بهترین راه حل یا یک راه‌حل ابداعی را انتخاب کند.

ارزش گذاشتن و تشویق فکر خوب یکی دیگر از موارد لازم برای پرورش خلاقیت در کودکان و حتی بزرگسالان است. زمانی که هیچ فرقی و مزیتی بین دانش‌آموز خلاق و غیرخلاق نباشد، این خود باعث کم شدن رغبت برای استفاده از فکر می‌شود. معلمان بایستی با طرح سوالاتی در محدوده درس و آموزش‌های داده شده راه‌حل‌های ابتکاری از دانش‌آموزان بخواهند و به نظرات بهتر جوایزی اهدا کنند.

نکته قابل ملاحظه‌ای که باید به آن توجه شود این است که یادگیری و آمادگی ذهنی در دوران کودکی بسیار بالا تر از دوران بزرگسالی است. مطالبی را که کودکان در ظرف چند ساعت یاد می‌گیرند، بزرگسالان باید در چند روز یاد بگیرند. یکی از دلایل این خاصیت به خاطر کم بودن مشغله فکری در کودکان است. همچنین استفاده از تمام امکانات و فضای ذهن در کودکان که در ابتدای راه هستند بسیار آسان‌تر است به نسبت بزرگسالان که ممکن است از ابتدا از بخش کمی از مغزشان استفاده کرده‌اند.

با توجه به مدل یادگیری هنر می‌توان روشی را برای توسعه فرهنگ خلاقیت و ایده‌پردازی در بین کودکان به وجود آورد تا این کودکان زمینه لازم برای کار مبتکرانه در آینده را داشته باشند. همانطور که در مدل یادگیری هنر دیده شد آموزش هنر ۴ مرحله داشت که از مبتدی شروع و تا استادی ختم می‌شد. در طول این مراحل با توجه به نمودار شماره یک درصد خلاقیت افزایش و تقلید کاهش می‌یابد. مهم‌ترین نکته در



این مدل برای آموزش توجه به این مطلب است. یعنی اگر معلم بتواند با انجام فعالیت‌هایی با رشد سن کودکان میزان تقلید را در آنها کم کند و با دادن تمرین‌هایی خلاقیت را در آنها افزایش دهد ما به هدف خود می‌رسیم.

برای این کار ما باید دوران تحصیل را به ۴ مرحله تقسیم کنیم. به این صورت که ابتدایی و راهنمایی، مرحله یک هستند. دبیرستان مرحله دو می‌باشد و دانشگاه مرحله سه و در نهایت مرحله استادی که مرحله مشخصی نیست و خود فرد بعد از طی تحصیلات مورد نیاز باید به سطح نظریه‌پردازی و خط دادن به دیگران برسد.

با توجه به این تقسیم‌بندی هدف ما مطالعه بر دوره ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان است. البته دوران قبل از ابتدایی، یعنی ۵ سال اول زندگی که کودک در خانه در حال یادگیری اصول و قواعد زندگی است، مهمترین زمان برای پرورش خلاقیت کودک است. این وظیفه مهم بیشتر به عهده پدر و مادر و کمی هم اطرافیان نزدیک کودک است تا به کودک در این راه کمک کنند. اگر در این دوره ذهن کودک آمادگی لازم برای خلاقیت را کسب کرده باشد، موفقیت او در دوره تحصیل چند برابر شاگردانی است که این توانایی را ندارند.

۱-۵- مرحله اول: ابتدایی و راهنمایی در دوره اول میزان خلاقیت کم و میزان تقلید زیاد است، به طوری که شاگرد هر چه را که از معلمانش می‌بیند، قبول کرده و به آن عمل می‌کند. حتی در این مرحله کودک تمام الگوی رفتاری خود را از پدر و مادر و معلمانش می‌گیرد. به این خاطر این مرحله یکی از مهمترین عوامل برای شکل‌گیری رفتار کودک برای آینده است.

کوچکترین رفتار غیر اصولی معلم در رفتار آینده کودک تأثیر دارد. بسیار افراد خجالتی امروز که نمی‌توانند نظرات خود را بیان کنند به خاطر سرکوب معلمانشان در دوران کودکی بوده است.

پس نتیجه می‌گیریم که افرادی که به عنوان معلم در این دوره‌های آموزشی انتخاب می‌شوند باید ابتدا تست‌های روانشناسی داده و همچنین آموزش‌های لازم برای چگونگی ایجاد رابطه دوستانه با کودکان را دیده باشد. با اینکه میزان درصد خلاقیت در این دوره کم است معلم باید با طرح سوالاتی دانش‌آموزان را به فکر وادارد.

همچنین پر کردن پرسشنامه‌هایی در ابتدای ورود به مدارس برای کودکان می‌تواند مفید باشد. این پرسشنامه‌ها می‌توانند از طریق آزمون‌های تست هوش یا آزمون‌های هدفمند برای شناسایی استعدادها و کودکان نیز تکمیل شوند. به این صورت که در ابتدای سال تحصیلی آزمون‌های نظیر تست هوش، هنرهای مختلف مثل نقاشی و درک آنها از موسیقی و خطاطی و غیره به عمل آید تا به وسیله آن برای چگونگی کار بر روی ذهن کودکان در زمینه‌هایی که دارای استعداد هستند برنامه‌ریزی شود. علاقه‌مندی‌های کودکان یکی از بهترین راهنماها برای چگونگی برنامه‌ریزی ما برای آنهاست. آنها کارهایی را که خودشان



دوست دارند خیلی خوب انجام می‌دهند. نه کارهایی را که ما دوست داریم. در نتیجه وظیفه ما و معلمان آنها معرفی همه مسیرها به آنها است، نه القاء نظرمان به آنها. این همان مقلد بار آورد کودکی است که باعث از بین رفتن قدرت تصمیم‌گیری در آنها می‌شود. همانطور که گفته شد در این مرحله در حین آموزش‌های اولیه باید قدرت تخیل و خلاقیت کودکان را هم افزایش دهیم.

۲-۵- مرحله دوم: دبیرستان که همان مرحله انتخاب رشته و زمینه کاری مورد نظر است در طول دوران دبیرستان می‌باشد. کودک قبلی که در این مرحله نوجوان شده است با توجه به علاقه‌مندی‌هایش در دوران ابتدایی و راهنمایی آموزش‌های لازم را دیده است و هم‌اکنون آمادگی کامل برای انتخاب رشته مورد نظر دارد. در ابتدا یورود به این مرحله هم باید آزمونهای خلاقیت‌سنجی و اطلاعات عمومی و همچنین تست هوش برگزار شود و با توجه به نتایج آن باید راهنمایی‌های لازم برای انتخاب رشته مناسب و مورد علاقه خود فرد ارائه شود. نکته حائز اهمیت در این روش این است که هیچگاه ما به آنها اجبار نمی‌کنیم که کدام رشته یا زمینه را برای ادامه تحصیل انتخاب کنند. ما و معلمانشان فقط باید راهنمایی‌های لازم را به آنها بکنیم و آنها را از سود یا ضرر در مسیرشان با خبر کنیم. در این مرحله با توجه به مدل یادگیری هنر خلاقیت دارای نقش موثر تری است. امتحانات و تحقیقات دانش‌آموزی باید بر پایه استفاده از خلاقیت فردی باشد. سوالات باید به گونه‌ای باشد که نیاز نباشد دانش‌آموز فرمولی را حفظ کرده از آن در امتحان به راحتی استفاده کند. بلکه باید تمامی فرمول‌ها در امتحانات به دانش‌آموزان داده شود و آنها با استفاده از قدرت تفکر خود بهترین راه‌حل را پیدا کنند. در مورد تحقیقات معلم باید موضوعات کاربردی در زمینه مورد علاقه هر دانش‌آموز را برای تحقیق مشخص کند. تحقیق در زمینه مورد علاقه دانش‌آموز این مزیت را دارد که خود فرد علاقه به یادگیری بیشتر در آن زمینه را دارد و تمام تلاشش را برای انجام هر چه بهتر این کار انجام می‌دهد. تلاش زیاد در یک زمینه خاص پیشرفت و تبحر برای دانش‌آموز می‌آورد و این پیشرفت آینده او را آنطور که خودش می‌خواهد برای او می‌سازد. قبول شدن در دانشگاه در رشته مورد نظر نتیجه زحمت در مسیر درست است.

در مراحل سوم و چهارم خلاقیت باید بسیار بالا باشد. با توجه به مدل ارائه شده در دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان فرد رشته مورد علاقه‌اش را پیدا کرده و در طول تحصیل مطالعات و راهنمایی‌های لازم را در مورد آن کسب کرده و حال می‌تواند در صورت پیشرفت بیشتر در دانشگاه هم امتحان داده و اگر امتحان دانشگاه امتحانی اصولی بر مبنای دانش مورد نیاز در آن رشته مورد نظر باشد حتما می‌تواند قبول شود و تحصیلات خود را تا بالا ترین سطوح ادامه دهد.



نتیجه گیری

هدف از این مقاله و ارائه این روش این بود که نشان دهیم چگونه هنر باعث خلاقیت می شود و هنرمند فردی خلاق است. سیستم آموزشی در کشور ما یک سیستم غیراصولی و بر پایه روش های اختصاصی هر یک از معلمان است.

این روش ها چون نظام یافته نیستند، نمیتوانند راه درست را به دانش آموز برای ادامه در آینده نشان دهند و این باعث سردرگمی دانش آموزان و همچنین وارد شدن آنها به رشته هایی است که ممکن است هیچ علاقه ای به آن نداشته باشند است.

یکی دیگر از راه های پرورش خلاقیت در کشور آموزش هنر از دوران ابتدایی به صورت قوی تر در مدارس است.

هنرهای ایرانی با توجه به اینکه یک فکر آزاد و خلاق برای یادگیری میخواهند، می توانند دانش آموزان را از همان ابتدا با چگونگی خلاق فکر کردن آشنا کنند. در این راه وظیفه معلمان بسیار سنگین است، به این خاطر که باید بر اساس علائق هر یک از دانش آموزان و نه با الگوهای شخصی خود با آنها رفتار کند. امید است با به کارگیری روش های درست و بدور از سطحی نگری های شخصی بعضی از افراد دستاورد کار، نظام آموزشی در ایران تغییر کرده و همانطور که به صورت زبانی دانش آموز محور است، عملاً هم بر اساس علائق دانش آموزان باشد.



فهرست منابع و مآخذ

- ۱- مقاله "تعریف اصطلاحات مهم نمایش کودک و بحث درباره آنها" نوشته: مت بوکانن ترجمه: داود زینلو
- ۲- مقاله "آموزش هنر در مراکز پیش دبستانی"، انتشار: سایت پیش دبستانی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران
- ۳- مقاله "جستاری در مفهوم هنر و عناصر ترکیبی آن"، سیدحسین امیرجانهی، برگرفته از سایت Firooze.com
- ۴- مقاله "راه‌های پرورش خلاقیت"، دکتر مهرانگیز شعاع کاظمی، مجله معرفت شماره: ۹۲ (ویژه‌نامه علوم تربیتی) Qabas.org
- ۵- مقاله "خلاقیت در آموزش و پرورش (تهدیدها و فرصت‌ها، ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی)"، تهیه‌کننده: عبدالرحمن جرجانی
- ۶- مقاله "ضرورت رشد خلاقیت و کارآفرینی کودکان برای تامین منابع انسانی سازمان‌های آینده" نویسنده: حمید میرزا آقایی - انتشار سایت فکرنو بهمن ۱۳۸۶
- ۷- گریوز، کار گیلو، اسلادر، (۱۳۷۹)، خلاقیت (شناخت ویژگی‌های کودکان و برخورد مناسب با آنها) (ترجمه مهدی قراچه داغی)، تهران: بیک بهار.

- 7- "CREATIVITY and CHILDREN: A Natural Combination" by Alberta Johnson <http://www.artistshelpingchildren.org>
- 8- "SEVEN EASY IDEAS FOR ORGANIZING KIDS ARTWORK "by Maria Gracia <http://www.artistshelpingchildren.org>
- 9- WAYS TO HELP YOUR CHILD EXPRESS HERSELF WITH ART" by Robbin TT-<http://www.kinderart.com>
- 10- "CHILDREN AND ART: THEY GO TOGETHER" by Robert Beeching-<http://www.kinderart.com>